



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 43
Summer 2025

Pages: 153-178

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.64441.2545

Received: 2024/11/09

Received in revised form: 2025/01/06

Accepted: 2025/01/15

Published: 2025/06/25

The Impact of the Global Economic System on the Production and Trade of Iranian Silk: 1920-1940

Shahram Gholami¹ | Nezamali Dehnavi²

Abstract

Silk is one of the agricultural products that plays an important role in the textile industry. The expansion of the global economic system and Iran's trade relations with Europe during the 17th and 18th centuries had a significant impact on Iran's export and agricultural economy. However, in the 19th century, silk production experienced fluctuations largely influenced by external factors beyond Iran's control. This research aims to investigate the mutual influence of international issues and the internal policies of the modern government on the fluctuations in Iran's silk production and trade between the two world wars. The main question of this study is: What effect did the global economic system have on Iran's silk production, and how effective were the government's policies in this regard? The findings indicate that World War I, the 1929 global economic crisis, and Iran-Soviet trade relations played significant roles in shaping farmers' activities and influencing fluctuations in silk production and export. In response to these challenges, the Iranian government sought to overcome obstacles by establishing and developing the Noghan administration, promoting import substitution industrialization, founding the Noghan joint-stock company, and enhancing professional education. The establishment of silk weaving industries, along with restrictions on the import of silk fabrics, led to an increase in domestic fabric production. However, despite the government's efforts resulting in temporary improvements in production, these changes proved unstable due to the inelasticity of foreign demand following the 1929 economic crisis and subsequent international crises. Consequently, the overall success of these initiatives remained limited.

Keywords: Economic Crisis, Global Economic System, Industrialization, Sericulture, Silk.

1. Assistant Professor, Department of History, Farhangian University of Tehran, Iran
(Corresponding Author) Shahramgholami@cfu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Historical Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran
n_dehnavi@pnu.ac.ir



lisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۶، شماره: ۴۳

تابستان ۱۴۰۴

صفحات: ۱۷۸-۱۵۳

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/jiiph.2025.64441.2545

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

تأثیر نظام اقتصاد جهانی بر تولید و تجارت ابریشم ایران:

۱۹۲۰-۱۹۴۰

شهرام غلامی^۱ | نظام علی دهنوی^۲

چکیده

ابریشم از جمله محصولات کشاورزی است که نقش مهمی در صنعت نساجی دارد. گسترش نظام اقتصاد جهانی و روابط بازرگانی ایران با اروپا در سده‌های هفدهم و هجدهم، نقش برجسته‌ای در صادرات و اقتصاد کشاورزی ایران ایفا کرد؛ اما در سده نوزدهم تولید آن با افت‌وخیزهایی همراه بود که عمدتاً در بیرون از نظام اقتصادی ایران به آن تحمیل شده بود. این پژوهش به بررسی تأثیر متقابل مسائل بین‌المللی و سیاست‌های داخلی دولت مدرن بر فرازوفروود تولید و تجارت ابریشم ایران، در فاصله میان دو جنگ جهانی می‌پردازد. این اثر تلاش دارد تا با روش تحقیق تاریخی و با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که نظام اقتصاد جهانی چه تأثیری بر تولید و تجارت ابریشم ایران داشت و برنامه‌های دولت در این خصوص تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ جهانی اول، بحران اقتصاد جهانی ۱۹۲۹ و روابط بازرگانی ایران و شوروی نقش مهمی در جهت‌گیری فعالیت نوغان‌داران و فرازوفروود تولید و صادرات ابریشم داشت. در مقابل، دولت ایران با ایجاد و توسعه اداره نوغان، صنعتی‌سازی جایگزین واردات، برپایی شرکت سهامی نوغان و توسعه آموزش حرفه‌ای کوشید تا بر این موانع غلبه کند. با برپایی صنایع ابریشم‌بافی همراه با محدودیت واردات پارچه‌های ابریشمی، بر مقدار تولید پارچه داخلی افزوده شد. با این حال، هرچند کوشش‌های دولت به‌طور موقت، تغییراتی نسبی در جهت‌گیری تولید پدید آورد، اما به دلیل عدم کشش تقاضای خارجی پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و بحران‌های شتابان بین‌المللی، این تغییرات ناپایدار بود و در نتیجه موفقیت‌چندانی حاصل نشد.

کلیدواژه‌ها: ابریشم، بحران اقتصاد جهانی، صنعتی‌سازی، نوغان‌داری.

Shahramgholami@cfu.ac.ir

n_dehnavi@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم تاریخ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران



مقدمه

دوره مورد بحث در این پژوهش، دوران آغاز گذار ایران از کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن و آغاز مداخله گسترده دولت در اقتصاد و ایجاد کشاورزی دستوری است. این دوره، همچنین به دلیل صنعتی سازی جایگزین واردات، شتاب صنعتی شدن کشورهای اروپایی، بحران های گسترده بین المللی، شکل گیری نظم نوین سیاسی و ایجاد دولت-ملت های مدرن اهمیت ویژه ای دارد. هدف این جستار، بررسی تقابل ماهیت نظام اقتصاد جهانی با اقتصاد دستوری و برنامه ریزی شده دولت مدرن است. بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا دشواری های نوغان داری سنتی، فرصت ها و چالش های برآمده از نظام اقتصاد جهانی و دلایل موفقیت یا ناکامی دولت مدرن در خصوص تولید و صادرات ابریشم تشریح شود. فرض این پژوهش آن است که تولید و تجارت ابریشم ایران در این دوره تحت تأثیر متقابل دو عامل درونی و بیرونی بود. بحران های سیاسی- اقتصادی در کشورهای هسته سرمایه داری نظام اقتصاد جهانی در بیرون و برنامه ریزی اقتصاد دستوری دولت مدرن در داخل، متقابلاً بر فرازوفروود تولید و بازاریابی این محصول در داخل و خارج تأثیر آشکاری داشت. با این حال، عامل بیرونی به عنوان متغیر مستقل نقش مسلط تری در هدایت جریان تولید، سرمایه گذاری صنعتی و صادرات داشت. با توجه به آنکه ۸۵ تا ۹۰ درصد ابریشم ایران در استان گیلان تولید می شد، مطالب این پژوهش بیشتر پیرامون کشاورزی تجاری این استان و واکنش کشاورزان آنجا به الگوی روابط بازرگانی با شوروی و گرایش های معطوف به بازار تمرکز دارد. همچنین در این جستار روابط بازرگانی روسیه شوروی به عنوان یک عامل مهم فرض شده است؛ زیرا بیش از ۹۰ درصد ابریشم ایران در گیلان و بقیه آن در استان های شمالی هم مرز روسیه (شوروی) تولید می شد (جدول شماره ۱). گذشته از این، تقریباً همه تولیدات کشاورزی این استان ها یا به شوروی صادر و یا از طریق این کشور ترانزیت می شد. سرانجام اینکه هرچند شوروی سهم زیادی در واردات ابریشم از ایران نداشت، اما بخش مهمی از ابریشم صادراتی و نوغان وارداتی ایران یا توسط شرکت های شوروی انجام می گرفت و یا از طریق این کشور ترانزیت می شد.

این پژوهش دنبال پاسخ به این دو پرسش است که بحران اقتصاد جهانی ۱۹۲۹ چه

تأثیری بر الگوی تولید و صادرات ابریشم ایران داشت؟ و اینکه اقدامات دولت در رویارویی با این بحران چه بود و چه نتیجه‌ای داشت؟ در این پژوهش با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، آمارنامه‌های بازرگانی و گزارش مجلات اقتصادی این دوره کوشیده شده تا با تحلیل داده‌های کمی و کیفی ابعاد تأثیر بحران اقتصاد جهانی ۱۹۲۹ بر تولید و صادرات ابریشم ایران در دهه ۱۳۱۰ خورشیدی موردبررسی قرار گیرد. در خصوص موضوع ابریشم ایران از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه مقاله‌ها و کتاب‌های بسیاری نوشته شده‌است. بالین‌حال، در دوره زمانی موردنظر، یعنی فاصله میان دو جنگ جهانی و با این دیدگاه تاکنون مقاله مستقلی به رشته تحریر درنیامده‌است. عباس پناهی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای نقش ابریشم گیلان در روابط خارجی ایران دوره قاجار را موردبررسی قرار داده‌است. ذلیخا غفاری رودسری و مهدی عبادی (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌دارای گیلان عهد قاجاری، چالش‌های این صنعت در ۳۵ سال پایانی دوره قاجار را موردبررسی قرار داده‌اند. احمد سیف (Sayf:1983) در مقاله‌ای با عنوان تولید و تجارت ابریشم ایران در سده نوزدهم، نوسانات تولید ابریشم و نقش شرکت‌های خارجی در صنعت ابریشم ایران را به‌خوبی موردارزیابی قرار داده‌است. غلامی و رحمانیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای زمینه‌ها، اهداف و پیامدهای قانون انحصار تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۰۹ را بررسی کرده‌اند. این مقاله هرچند به‌طور مستقیم به موضوع ابریشم اشاره‌ای نشده‌است اما علل و پیامدهای انحصار تجارت خارجی بر محصولات کشاورزی ایران را به‌خوبی نشان داده‌است. سید حسن شجاعی دیوکلائی (۱۳۹۸) در کتابی که با عنوان توسعه‌نیافتگی و صنعتی‌سازی ایران عصر قاجار و پهلوی منتشر کرده، در بخش چهارم آن تأثیر بحران اقتصاد جهانی بر روی صادرات کشاورزی ایران دوره رضاشاه را با دیدگاه اقتصاد وابسته موردبررسی قرار داده و ابعاد این موضوع را به‌خوبی شناسایی کرده‌است. بالین‌حال این پژوهشی کلی درباره کشاورزی ایران است و تأثیر این بحران بر تولید و صادرات ابریشم به‌طور ویژه بررسی نشده‌است.

در پژوهش پیش رو با بررسی اسناد و گزارش‌های اقتصادی این دوره ازجمله مجله تجارت، مجله اطاق تجارت و سایر نوشته‌ها با روش تاریخی و رویکرد تحلیلی-توصیفی ابتدا تأثیرات جنگ جهانی اول و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بر تولید و تجارت ابریشم ایران و

سپس به اختصار برنامه‌ها و اقدامات دولت و جایگزینی محصولات نقدی برای حل این مشکلات پرداخته می‌شود.

تأثیر جنگ جهانی بر کاهش صادرات ابریشم

کشش تقاضای بازارهای جهانی تا پیش از جنگ جهانی اول عامل مهمی در رشد صادرات محصولات کشاورزی ایران و از جمله ابریشم بود، به گونه‌ای که در ده سال منتهی به جنگ، مجموع صادرات ایران ۱/۵ برابر رشد داشت (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۷). بررسی‌ها نشان داد که داده‌های زیادی در مورد صادرات ابریشم از سال ۱۲۸۸ تا سال ۱۳۰۵ خ. در دسترس نیست، اما با مقایسه صادرات سایر محصولات کشاورزی در فاصله سال‌های ۱۲۹۳ و ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹، یعنی آغاز و پایان جنگ، مشخص می‌شود که کاهش شدیدی در صادرات همه محصولات به جز توتون روی داده‌است. برای نمونه، ارزش برنج ۹۰ درصد، پنبه نزدیک ۹۴ درصد، تریاک ۴۱/۶ درصد، پشم ۸۸/۴ درصد، و قالی تا ۲۰ برابر کاهش یافت (کیهان، ۱۳۱۱/۳: ۹۸-۹۵، ۱۱۸-۱۱۷، ۱۲۴-۱۲۲، ۱۳۹-۱۳۸، ۲۲۴-۲۲۳؛ ساکما، سند شماره ۲۳۱۸۶/۲۴۰). به هر حال، در نتیجه جنگ جهانی اول و افزایش نیازهای غذایی، تولید ابریشم در شمال ایران به شدت پایین آمد، به گونه‌ای که مقدار صادرات آن از ۱۷/۲ میلیون قران در سال ۱۲۸۸ به ۷/۵ میلیون در سال ۱۳۰۶ کاهش یافته‌است (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۲۶؛ کیهان، پیشین، ۲۱۶). گزارش میلپو نیز نشان می‌دهد که در نتیجه جنگ جهانی اول محصول ابریشم ایران تا ۹۰ درصد کاهش یافت (میلپو، ۱۳۵۶: ۳۲۳). بنابراین، چون پنبه ابریشم خریداری نداشت، نوغان‌داران درخت‌های توت را ریشه‌کن کرده و در عوض به تولید برنج پرداختند که بی‌اندازه مورد نیاز قشون بود و به قیمت خوبی فروخته می‌شد. اما بعد از جنگ وضعیت کاملاً برعکس شد. این بار چون برنج خریداری نداشت، دوباره دهقانان به تولید ابریشم روی آوردند (فلاح و تجارت، ش. ۱، مهر ۱۳۰۵: ۴۳)، زیرا برنج صادراتی گیلان کاملاً وابسته به بازار شوروی بود و بیش از ۹۹ درصد آن به این کشور صادر می‌شد، اما در اثر تغییر سیاست‌های بازرگانی شوروی، قیمت برنج به شدت پایین آمد و ارزش صادراتی آن در سال ۱۳۰۵ به نسبت پیش از جنگ جهانی به کمتر از نصف رسیده بود (Fateh, 1926: 17).

در خراسان نیز در زمان جنگ جهانی به دلیل محدودیت واردات تخم نوغان به ایران، بیشتر مردم به جز شمار اندکی که بیشتر آن‌ها ارامنه بودند، به دلیل گرانی بهای هیزم، درختان توت خود را بریده و به مصرف رسانیدند. آن شمار اندکی هم که به تخم نوغان‌های بومی خود قناعت کرده بودند، دست از این کار برداشتند (اطلاق تجارت، ش. ۱۲، مهر ۱۳۰۹: ۲۷). در نمونه‌ای دیگر، در آستارا هم که از دیرباز ابریشم تولید می‌شد و بیشتر نوغان‌داران به این کار مشغول بودند، در دهه ۱۳۰۰ چون خریداری برای پيله نبود، اغلب توتستان‌های خود را از بین بردند و تنها در سال ۱۳۱۵ و به دنبال تشویق اداره کشاورزی این شهر بود که انهدام توتستان‌ها متوقف شد (نامه کشاورزی، ش. ۱۰، تیر ۱۳۱۸: ۳۳). بنابراین، پیش از مداخله دولت در امر اقتصاد و ایجاد کشاورزی دستوری، روی آوردن به محصولات جایگزین با گرایش معطوف به بازار، جنبه خودتنظیمی در تولید و صادرات محصولات کشاورزی به وجود آورده بود. در دوره مورد بحث، یعنی در فاصله میان دو جنگ جهانی، توسعه محصولات جایگزین مانند پنبه (بیشتر در خراسان و مازندران)، چای، مرکبات و غیره، در کنار محدودیت‌های تقاضای خارجی، عرصه را برای بهبود تولید ابریشم تنگ‌تر کرده بود.

یکی دیگر از موانع توسعه نوغان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، فشارهای بازرگانی شوروی و دشواری‌های ترانزیت از طریق این کشور بود، زیرا پس از جنگ، صادرات ابریشم ایران به دلیل منع ترانزیت کالا توسط شوروی با مشکل روبه‌رو شد (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۰). پیش از جنگ، پيله‌هایی که در ایران خشک می‌شد از راه قفقاز به اروپا فرستاده می‌شد و چون هزینه‌های حمل و نقل کم بود، با پيله‌های شرق دور برابری و رقابت می‌کرد. تخم نوغان نیز از همان راه، یعنی از باکو و باتوم وارد ایران می‌شد. پس از جنگ، صادرات پيله‌های ابریشم که بسیار پرحجم و سبک بود، با اتومبیل و از راه‌های غیر مستقیم فرستاده می‌شد. همچنین، چون تخم‌های نوغان از راه‌های غیر مستقیم و دور، یعنی از مسیر بیروت- بغداد- کرمانشاه و یا از مسیر ترابوزان- تبریز حمل می‌شد، اغلب به دلیل مخاطراتی مانند یخ‌زدگی و یا باز شدن زود هنگام، به قیمت بالایی فروخته می‌شد و این مسئله هزینه زیادی بر کشاورزان تحمیل می‌کرد (فلاح و تجارت، ش. ۲، سال ۱۳۰۵: ۱۱۰).

پس از جنگ جهانی اول تغییراتی در بازارهای مالی و برنامه‌های اقتصادی کشورها پدید

آمده بود که بر مناسبات بازرگانی میان کشورهای تولیدکننده مواد خام کشاورزی و کشورهای صنعتی مصرف‌کننده تأثیرگذار بود. تا پیش از جنگ، به دلیل پایین بودن بهای نقره در برابر طلا در بازارهای جهانی و پایین بودن هزینه‌ها، ابریشم ایران در برابر محصولات شرق آسیا توان رقابت بیشتری داشت، اما در پایان جنگ جهانی اول وضعیت برعکس شد؛ زیرا ارزش پول‌های آسیایی ترقی کرد و بهای پيله زياد شد. به‌ویژه رکود اقتصادی کشورهای فرانسه و ایتالیا که خریداران اصلی ابریشم بودند، باعث کاهش خرید شد و این کشورها برای تأمین نیاز کارخانه‌های خود و جلوگیری از خروج طلا از کشورشان تولید ابریشم در داخل یا در مستعمراتشان را توسعه دادند (فلاحی و تجارت، ش. ۲، سال ۱۳۰۵: ۱۱۲).

جدول ۱. میزان تولید پيله ابریشم و درصد تولید در ایالات مختلف ایران

سال	گیلان	مازندران	خراسان	سایر نواحی ایران	کل تولید کشور به (تن)
۱۳۰۹	* ۸۲٪	---	۱۵٪	۳٪	۴۲۵/۷
۱۳۱۲	۷۷٪	۹٪	۳٪	۱۱٪	۱۹۹۶
۱۳۱۳	۸۳٪	۹٪	۳/۷٪	۴/۳٪	۱۸۹۴
۱۳۱۴	۸۵٪	۶/۹٪	۲/۵٪	۵/۶٪	۲۰۷۷
۱۳۱۵	۹۱٪	۰۷٪	۴/۵٪	۳/۸٪	۱۵۲۷

منبع: اداره کل فلاحی و صنعت. احصائیه محصولات فلاحی و صنعتی در سال ۱۳۰۹، طهران چاپخانه فردوسی؛ همان، سال ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵.*

طبق آمارهای موجود، مقدار تولید پيله ابریشم از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۵ افزایش پیدا کرد. به‌ویژه بر اثر توجه و مراقبت دولت از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۲۰ تولید پيله ابریشم و جنس آن بسیار ترقی کرد و به دو هزار تن رسید، اما بعد از جنگ جهانی دوم دوباره تولید ابریشم کاهش یافت و تا سال ۱۳۲۲، با کاهش ۶۵ درصدی به ۷۰۰ تن رسید (زاهدی، ۱۳۴۲: ۱۱۱-۱۱۰؛ اداره کل فلاحی و صنعت، ۱۳۱۲-۱۳۱۵: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳).

تأثیر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بر تولید و صادرات ابریشم ایران

هرچند ایران در مقایسه با کشورهای هسته سرمایه‌داری جهانی به مراتب کمتر تحت تأثیر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ قرار گرفت، اما در پائیز سال ۱۳۰۹ بحث اقتصادی به مهمترین موضوع سیاست ایران تبدیل شد. در پی بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به دلیل کاهش مصرف پارچه‌های ابریشمی طبیعی و ورشکستگی صنایع ابریشمی، تقاضا برای خرید پيله ابریشم پایین آمد. چون صدور جنس مقرون به صرفه نبود، محصول پيله در دست رعیت و مالک و تولیدکننده باقی ماند و صادرکنندگان از صدور پيله خودداری می‌کردند (طلاق تجارت، ش. ۸۶، اردیبهشت ۱۳۱۳: ۱۱). وضعیت تولید نوغان گیلان در سال ۱۳۰۹ به حدود یک‌چهارم سال پیش رسید. در نتیجه خرابی نوغان، مالکان و نوغان‌داران گرفتار بدهکاری شدند؛ زیرا در آغاز تخم نوغان را به بهای گزاف خریداری و پول‌هایی به رسم مساعده پیشتر دریافت کرده بودند که در عوض پيله بدهند، اما به دلیل خرابی نتوانستند پول طلب‌کاران را پس دهند و بدهکار آن‌ها شدند (تجارت، ش. ۲۲، مهر ۱۳۰۹: ۴۰). در مازندران در سال ۱۳۰۹ به دلیل خودداری روس‌ها از خرید پيله ابریشم بهای آن همانند سایر کالاهای کشاورزی ۳۰ تا ۷۰ درصد پایین آمد (ساکما، سند شماره ۲۹۳۰۰۴۸۴۷).

در گیلان به علت ناکارآمدی بالای صنایع پارچه‌بافی سنتی، امکان جذب مقدار زیادی از پيله تولیدی این ایالت وجود نداشت. بنابراین یا باید راهی برای صادرات به بازارهای خارج از ایران پیدا می‌شد و یا با ایجاد صنایع مدرن پارچه‌بافی، بازار مصرف آن در داخل فراهم می‌گشت. هرچند در سال ۱۳۱۲ مقداری از پيله گیلان توسط بازرگانان خراسان و یزد برای مصرف داخلی خریداری شد، اما به دلیل پایین بودن قیمت، مقدار ۹۰ هزار کیلو پيله خشک در انبارهای گیلان باقی ماند که به خاطر ترس از فاسد شدن در آغاز سال ۱۳۱۳ با قیمت هر کیلو ۱۰ ریال تحویل در کشتی به فروش رفت؛ این در حالی بود که هزینه‌های خرید، خشک کردن و انتقال آن برای بازرگانان ۱۲/۴ ریال تمام شده بود. از سوی دیگر، برعکس سنوات گذشته که فروشندگان تخم نوغان محصول خود را با نسیه و همراه با مساعده نقدی به نوغان‌داران می‌دادند، در این سال دیگر نه تنها مساعده نمی‌دادند بلکه تخم نوغان را در برابر وجه نقد می‌فروختند (طلاق تجارت، شماره ۱۰۸: ۸). در نتیجه، اداره نوغان ضمن ارسال

راپرت مفصلی به هیات دولت و وزارت دربار، برای جلوگیری از ادامه بحران راه‌های زیر را پیشنهاد کرد: ۱. کاهش قیمت نوغان از طریق تخم‌گیری در داخل کشور؛ ۲. وارد کردن کارخانه‌های نساجی به منظور افزایش مصرف آن در داخل و در نتیجه افزایش بهای پيله؛ ۳. تمدید مدت قرضه بازرگانانی که به خرید و فروش پيله و نوغان اشتغال دارند (همان: ۱۹).

نوغان‌داری مازندران نیز که تا این هنگام به سرعت در حال توسعه بود، در نتیجه بحران اقتصادی و نبود خریدار و کاهش شدید بهای پيله، از بین رفت و در عوض تمایل به زراعت پنبه و کاشت پنبه جنگلی افزایش پیدا کرد. زارعان مازندران، توت‌کاری و پرورش کرم ابریشم را ترک نموده و به تهیه بهدانه و توسعه زراعت پنبه پرداختند که مورد تشویق نمایندگان بازرگانی شوروی بود. توتستان‌های جدیدی که تا این هنگام همه‌ساله افزایش یافته بود، یک‌باره متروک شد و جای خود را به پنبه‌زارها داد. تا سال ۱۳۱۲ مصرف تخم نوغان مازندران ۱۴،۰۰۰ جعبه و محصول پيله آن نزدیک ۱۰۰ هزار من بود. در سال ۱۳۱۲ مقدار مصرف تخم نوغان به ۴۰۰۰ جعبه کاهش یافت و در عوض ۱۵ هزار من پيله مازاد مازندران از سال گذشته در انبار باقی مانده بود. بنابراین، از نظر اداره نوغان مازندران یگانه راه جلوگیری رکود این بخش از کشاورزی، برپایی کارخانجات ابریشم بافی داخلی بود (طاقی تجارت، ش. ۱۰۸: ۲۱ و ۲۲؛ همان، ش. ۷۹، بهمن ۱۳۱۲: ۱۹).

بحران اقتصادی ۱۹۲۹ از یک سو باعث کاهش بهای پيله صادراتی ایران و از سوی دیگر باعث افزایش بهای تخم نوغان وارداتی از اروپا شد. به‌رغم کاهش بهای کالاهای کشاورزی، بهای کالاهای وارداتی از شوروی مانند قند و شکر و آهن‌آلات و از جمله تخم نوغان افزایش یافت. چنان‌که بهای تخم نوغان وارداتی که در آغاز سال ۱۳۰۹ تخم نوغان هر جعبه ۱ تومان تا ۱۲ قران بود، با همدستی شرکت‌های واردکننده یک‌باره بهای آن به ۲۰ تا ۲۵ قران افزایش یافت که آن را به صورت نقد به رعایا و مالکان می‌فروختند. رعایا و مالکین به امید اینکه شاید بازار تخم نوغان ترقی نماید، لوازم خانه خود را به بهای ناچیز فروختند تا پول تهیه کنند و برخی نیز محصول برنج را به بهای نازل فروختند تا وجه آن را نقد کنند (تجارت، ش. ۲۰، سال ۱۳۰۹: ۲۰؛ همان، ش. ۱۰۳: ۶-۷).

جدول ۲. آمار صادرات ابریشم خام، پيله ابریشم و پارچه ابریشمی از سال ۱۳۰۹ به بعد

سال	ابریشم خام		پيله ابریشم		میانگین قیمت هر تن پيله (هزار ریال)	صادرات پارچه‌های ابریشمی خالص (هزار ریال)
	مقدار به تن	قیمت به هزار ریال	مقدار به تن	قیمت به هزار ریال		
۱۳۰۸	---	۱۲۱۷	---	۱۳۳۲۷	---	۱۶۳۳
۱۳۰۹	۶/۶۸	۳۱۶/۶	۶۹۴	۱۴۷۱۸	۲۰/۲۰	۳۴۸۹
۱۳۱۰	۱۳/۱	۱۰۵۱/۴	۳۴۵/۴	۶۴۴۸	۱۸/۶۶	۱۳۱۴۴
۱۳۱۱	۱۱/۷	۸۰۱	۴۱۶/۴	۷۵۱۴	۱۸	۸۲۴۳/۶
۱۳۱۲	۲۱/۶	۹۰۵	۴۶۰	۵۳۸۱	۱۱/۶۹	۷۵۷۲
۱۳۱۳	۱۹/۸	۵۶۳/۴	۳۸۵	۲۴۱۱	۶/۲۶	۵۵۹۶
۱۳۱۴	۲۰/۴	۶۶۴	۲۴۵	۳۱۳۸	۱۲/۸۰	۵۰۶۳
۱۳۱۵	---	---	۳۰۳	۴،۴۹۷	---	---

منبع: وزارت تجارت، اداره عهود و اطلاعات. تجارت خارجی ایران در سال‌های اقتصادی ۱۵-۱۳۱۴ و ۱۶-۱۳۱۵؛ احصائیه تجارتی ایران، اداره کل گمرکات، مجموعه تجارت عمومی ایران با ممالک خارجه در سال ۱۳۰۸، طهران، چاپخانه فردوسی، ۱۳۰۹

بررسی جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که به‌رغم همه چالش‌های داخلی، به‌دلیل کشش تقاضای جهانی تا پیش از بحران اقتصادی ۱۹۲۹، مقدار صادرات پيله ابریشم و ابریشم خام روند افزایشی داشت و میانگین قیمت‌ها نسبتاً بالا بود. در مقایسه با سال ۱۳۰۸، یعنی پیش از بحران، ارزش کلی صادرات محصول ابریشم در سال ۱۳۱۳ حدود ۸۰ درصد کاهش یافت و حتی میانگین ارزش هر تن پيله خشک به کمتر از یک‌سوم رسید. در مقابل، ارزش صادرات پارچه‌های خالص ابریشمی در مدت مشابه حدود دو و نیم برابر شد؛ درحالی‌که این رقم در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ به‌ترتیب رشد ۷ و ۴ برابری نشان می‌دهد. بااین‌حال، مجموع صادرات ابریشم و پارچه‌های ابریشمی در سال ۱۳۱۳ به نصف ارزش صادرات پيله در سال پیش از بحران هم نمی‌رسد. البته این مقدار کاهش تنها در خصوص پيله ابریشم نبود، بلکه همان‌گونه که از آمارهای بازرگانی پیداست، در مقایسه با سال ۱۳۱۳ به نسبت ۱۳۰۸ بیشتر محصولات کشاورزی عمده صادراتی ایران کاهش چشمگیری داشتند. ازجمله

ارزش صادرات تریاک تا حدود ۷۰ درصد، برنج ۲۴ درصد و قالی‌های پشمی تا ۲۵ درصد کاهش داشته‌است (اداره کل گمرکات، ۱۳۰۹: ۱۱-۱۷).

اثرات این بحران نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورهای تولیدکننده ابریشم مانند ژاپن، چین، ایتالیا و یونان تا سال‌های بعد بسیار چشمگیر بود. به‌ویژه در سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ (۱۹۳۲-۱۹۳۳ م.) تجارت آن در برخی از کشورها مانند ایتالیا و چین به نصف مقدار پیش از بحران کاهش یافت. در سال ۱۳۱۲ بحران صناعت ابریشم ژاپن بسیار حاد توصیف شده‌است. تا آنجا که مقدار ابریشم خام به فروش نرفته ژاپن در این سال به ۱۷۰ هزار عدل رسید که نسبت به سال ۱۳۱۱، ۴۰ هزار عدل بیشتر بود. کارخانه‌های ابریشم‌تایی ژاپن در این سال ۱۵ میلیون ین ضرر کردند و تصور می‌رفت که زیان آن‌ها در سال بعد تا ۹۰ میلیون ین افزایش یابد (اطلاق تجارت، ش. ۸۰، بهمن ۱۳۱۲: ۲۸). به‌دلیل کاهش صنایع ابریشمی در آمریکا، ۸۰ درصد کارخانه‌های پارچه‌نخی و ابریشمی ژاپن دچار بحران شدند (مجله تجارت، ش. ۲۰، خرداد ۱۳۰۹: ۲۶). ژاپن به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده ابریشم جهان که تقریباً نیمی از تولید ابریشم جهان را در اختیار داشت، هرچند در سال‌های پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ نیز همچنان جایگاه خود را حفظ کرد، اما تجارت آن در سال‌های بعد از بحران به‌طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ درصد پایین آمد (Federico, 2009: 199). در ایتالیا قیمت‌ها در بازار میلان در سال ۱۹۳۴ م/ ۱۳۱۳ در مقایسه با پیش از بحران در سال ۱۹۲۸ در شرایط واقعی به کمتر از یک‌چهارم رسیده بود. هرچند دولت از سال ۱۹۳۲ م./ ۱۳۱۱ به بعد ناگزیر شد تا برای تولید ابریشم یارانه پرداخت کند و در طی ۱۰ سال ۴۰۰ میلیون لیر یعنی معادل ۱۰ درصد ارزش تولید یارانه پرداخت کرد، با این حال تولید ابریشم به نصف رسید (Federico, 2007: 187)، اما پس از آن ترقی نسبی بازار آمریکا و ایتالیا به‌طور آشکاری بر افزایش صادرات و قیمت ابریشم در جهان به‌ویژه ژاپن تأثیر داشت. به‌دنبال آن در آذر ۱۳۱۲ با افزایش سفارش در آمریکا بهای ابریشم نمره ۱۵ و ۱۳ که پیشتر ۵۶۰ ین بود به ۵۸۰ ین افزایش یافت و در نتیجه بهبودی در بازار صادرات ابریشم ایران روی دارد و ۶۰۰۰ عدل بیش از میزان سابق به فروش رسید (اطلاق بازرگانی، ش. ۸۱، اسفند ۱۳۱۲: ۲۴).

اقدامات دولت برای مقابله با بحران اقتصادی ۱۹۲۹

۱. انحصار واردات نوغان و پارچه‌های ابریشمی

برای مقابله با بحران اقتصادی طرحی توسط اطاق بازرگانی تهران به وزارت اقتصادی ملی پیشنهاد شد که با ارائه آن به مجلس با عنوان قانون انحصار خارجی تصویب شد. البته انگلیسی‌ها ابتدا تصور می‌کردند که تیمورتاش این قانون را به تقلید از نظام تجاری شوروی تدوین کرده‌است، (Burrell, 1997: vol.9, p.71) اما درواقع این قانون به‌طور عمد به‌منظور کنترل و مقابله با فعالیت بازرگانی شوروی تدوین شده بود (Ibid, 166). به‌موجب قانون انحصار، میزان واردات نوغان و محل گمرک آن از سوی اداره کل تجارت وزارت اقتصاد ملی معین می‌شد و در ازای آن می‌بایستی ابریشم و پيله یا پارچه ابریشم ایران صادر می‌شد که البته بعداً انحصار واردات و صادرات این محصولات به شرکت سهامی نوغان واگذار شد. یکی از پیامدهای تصویب این قانون این بود که بلغارستان، ترکیه و ایتالیا که پیوسته از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ مقدار زیادی تخم نوغان به ایران می‌فرستادند، از فرستادن تخم نوغان به ایران خودداری کردند (اطاق تجارت، ش. ۷۹، بهمن ۱۳۱۲: ۱۷).

ایجاد انحصار تجارت خارجی و محدود کردن واردات پارچه‌های ابریشمی در مناطقی که دارای کارگاه‌های نساجی بود، تا اندازه‌ای باعث افزایش مصرف پيله داخلی و حتی رونق توت‌کاری شد. برای نمونه، خراسان بخشی از مازاد تولید پيله مازندران در سال ۱۳۱۲ را جذب نموده و پرورش کرم ابریشم در برخی از شهرهای این ایالت مانند تربت حیدریه، ترشیز، دره‌گز، بجنور و رکن‌آباد به‌طور محسوسی افزایش یافت (اطاق تجارت، شماره ۱۰۸: ۲۱). تولید پارچه ابریشمی یزد نیز تا پیش از انحصار تجارت خارجی چون نسبت به پارچه خارجی از لطافت و تنوع رنگ کمتری برخوردار بود، خریدار اندکی داشت اما پس از انحصار به‌خاطر افزایش خریداران، مقدار زیادی پيله از گیلان وارد می‌شد (همان: ۲۳). در نواحی دیگر که کارگاه‌های پارچه بافی وجود نداشت یا پاسخ‌گوی تولید مازاد نبود، کشاورزان به تولید محصولات جایگزین مانند پنبه و تنباکو روی آوردند.

در اقدامی دیگر، برای حل این مشکل، شرکت سهامی تجارتي ایران در مهر ۱۳۱۳ پیشنهاد تشکیل شرکت سهامی ابریشم را با سرمایه سه‌میلیون‌ریالی مطرح نمود. خود



شرکت با پرداخت یک میلیون ریال، یک‌سوم سهام شرکت ابریشم را خرید و بقیه آن را برای فروش در دسترس عموم قرار داد (اطلاق تجارت، ش. ۱۰۳: ۷). طبق مصوبه دولت حق ورود پارچه‌های ابریشمی منحصراً در اختیار این شرکت بود و تجار قبل از گرفتن مجوز حق ورود کالا نداشتند. افرادی که پیش از تصویب این قانون اقدام به ثبت واردات کرده بودند می‌بایستی اجناس وارده خود را به این شرکت می‌دادند تا برای آن‌ها جواز ورود صادر و به نام تاجر از گمرک مرخص می‌شد (اطلاق تجارت، ش. ۱۰۵ اسفند ۱۳۱۳: ۲۵).

طبق قانون مذکور واردات تخم نوغان خارجی محدود و منوط به مقدار معینی از صادرات محصول ابریشم شده بود، پس اداره نوغان ناگزیر شد تا تأمین تخم نوغان موردنیاز را در داخل فراهم کند. در سال ۱۳۱۲ با اینکه تخم نوغان‌های به‌دست‌آمده به‌وسیله مریبان ایرانی از هر لحاظ رضایت‌بخش بود، ولی از لحاظ قیمت نمی‌توانست با ارزان‌ترین تخم نوغان‌های خارجی، یعنی مارک جماهیر شوروی که با پایین‌ترین قیمت به فروش می‌رسید، رقابت نماید. علت اساسی گرانی تخم نوغان‌های داخلی نسبت به مارک شوروی آن بود که اولاً به‌خاطر تشکیلات بازرگانی خاص دولت برای خودشان ارزان تمام می‌شد. ثانیاً آن‌ها در دو سه سال اول برای رقابت با سایر مارک‌ها با واردات انبوه اقدام به دام‌گستری (دامپینگ) می‌کردند. البته این کار سرانجام به زیان شوروی‌ها تمام شد، به‌طوری که بعداً ناچار شدند اندکی قیمت را افزایش داده و از وزن جعبه‌ها کم کنند (اطلاق تجارت، ش. ۷۸، دی ماه ۱۳۱۲: ۱۷-۱۸).

دولت در اردیبهشت ۱۳۰۴ برای جلوگیری از کاهش تولید ابریشم و جلوگیری از واردات تخم نوغان فاسد از خارج، لایحه‌ای به مجلس فرستاد که به‌موجب آن حق تولید، تهیه و توزیع تخم نوغان و واردات آن به ایران برای مدت ۲۷ سال در تمام مملکت به دولت واگذار می‌شد تا اینکه دولت بتواند تخم نوغان مرغوب را با شرایط عادلانه برای پرورش‌دهندگان کرم ابریشم تهیه کند و تلنبارها و توتستان‌های نمونه برای رواج بهترین اصول پرورش کرم ابریشم دایر نماید. ظاهراً دولت قصد داشت بعد از تحصیل این امتیاز، عملیات اجرایی آن را به یک شرکت فرانسوی که متخصص تولید تخم نوغان و پرورش کرم ابریشم بود، واگذار نماید (متین‌دفتری، ۱۳۰۴: ۱۴۴؛ میلسپو، ۱۳۵۶: ۳۲۳).

پس از بحرن اقتصاد جهانی، در سال ۱۳۰۹ وزارت اقتصاد ملی در راستای امتیازنامه نوغان مورخه ۲۳ شوال ۱۳۲۳ ق. / ۱۲۸۴ خ. و قرارداد ۲۷ اسفند ۱۳۰۶ به آقای میرزا حسن خان اسفندیاری محتشم‌السلطنه اجازه داد تا با مؤسسه فرانسوی تربیت کرم ابریشم یعنی شرکت انونیم مقیم ماری و شرکت فراند کتواند مقیم ماری و گرغولسین قراردادی منعقد نماید. طبق این قرارداد، مؤسسات فرانسوی تقبل می‌کردند که تمام وظایف محتشم‌السلطنه را که به موجب امتیازنامه در مقابل دولت بر عهده گرفته بود، انجام دهند و به‌علاوه در شهرهای نوغان‌خیز یک دستگاه ماشین پيله‌بازکنی برای ترویج و تعلیم صنعت ابریشم برقرار کنند. طبق این قرارداد شرکت می‌بایستی سالی دو نفر از جوانان ایرانی را برای تکمیل علم نوغان‌داری به اروپا می‌فرستاد. همچنین شرکت برای اجرای وظایف مورد اشاره باید وامی با بهره اندک می‌پرداخت (اطلاق تجارت، ش. ۱۵، دی ۱۳۰۹: ۱۸). با این حال، اطلاعی از این امتیازنامه و کارهای شرکت فرانسوی در دست نیست.

۲. برپایی شرکت سهامی نوغان و ابریشم ایران

در سال ۱۳۰۳ وزارت مالیه در اقدامی مشترک با وزارت فواید عامه لایحه‌ای برای ایجاد انحصار پرورش کرم ابریشم به مجلس برد. هدف از این کار درواقع نهادسازی برای کار نوغان‌داری و افزایش درآمد کشاورزان بود، زیرا وارد کردن تخم نوغان و صادر کردن پيله ابریشم در دست معدود افراد خاص بود. به گونه‌ای که در این سال تنها یک‌سوم قیمت مال‌التجاره واقعی به دست تولیدکنندگان می‌رسید (میلسپو، نهمین راپرت، ۱۳۰۳: ۱۱۴). از سرنوشت این لایحه و موضوع انحصار خریدوفروش پيله ابریشم تا حدود ده سال بعد اطلاعی در دست نیست، اما در دهه ۱۳۱۰ با آشکار شدن پیامدهای رکود اقتصاد جهانی در ایران و نیاز دولت به تأمین هزینه‌ها و سامان‌دهی اقتصاد کشور، لزوم ایجاد شرکت سهامی انحصاری ابریشم بیشتر شد. لذا اولین شرکتی که برای کمک به توسعه کشاورزی و مقابله با آثار رکود اقتصاد جهانی در ایران تشکیل شد، شرکت سهامی ابریشم بود. این شرکت حق انحصاری وارد کردن پارچه‌های ابریشم را در دست داشت و در مقابل موظف بود پيله را به قیمتی بیش از قیمت حقیقی بازارهای جهانی، خریداری نماید. در نتیجه اقدامات این شرکت صنعت نوغان تا اندازه‌ای دوباره رونق گرفت (مدرسۀ عالی فلاحت کرج، ش. ۱۰، آذرماه ۱۳۱۴: ۵-۶).

پس از ایجاد برخی از انحصارات در مورد بعضی کالاهای صادراتی، در شهریور ۱۳۱۳ نیز انحصار خریدوفروش پيله ابریشم و همچنین انحصار پارچه‌های ابریشمی از خارج به شرکت بازرگانی ایران واگذار شد. این شرکت به منظور تسریع صادرات متزلزل پيله ابریشم، مجاز بود تا در برابر صادرات ۱ کیلو گرم پيله ابریشم، ۲/۵ متر پارچه ابریشمی وارد کند. پس از آن در همین سال برای ایجاد برنامه انحصار و با پیشنهاد شرکت بازرگانی ایران، شرکت سهامی ابریشم ایران با سرمایه‌ای معادل ۳ میلیون ریال (۳۷/۵۰۰ پوند) تشکیل شد که یک سوم سرمایه آن توسط شرکت بازرگانی ایران پرداخت شد و دو سوم دیگر آن در اختیار عموم مردم قرار گرفت (Burreel, 1997, vol. 9: 669). سرمایه شرکت تا سال ۱۳۱۴ به ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال افزایش یافت.

این شرکت که جزو مجموعه شرکت‌های فلاحتی به حساب می‌آمد، دارای حق انحصاری واردات تخم نوغان بود. هدف از برپایی آن توسعه امور مربوط به تهیه، تولید و اصلاح نژاد تخم نوغان بود. محل دائمی این شرکت تهران بود و مقرر شد تا جهت توسعه و گسترش فعالیت آن در داخل و خارج ایران نمایندگی‌هایی دایر کند. از جمله وظایف این شرکت اصلاح پرورش کرم ابریشم در داخل کشور، بازرسی تخم نوغان وارداتی یا تولید داخلی، تقسیم و فروش تخم نوغان بین تولیدکنندگان پيله ابریشم، خریدوفروش نوغان از داخل و خارج از ایران، اعطای اعتبار و جایزه به تولیدکنندگان تخم نوغان برای ایجاد تلبار و توتستان‌هایی که طبق دستور و نظارت شرکت ایجاد شده بود (مدرسه عالی فلاحت کرج، ش. ۲، فروردین ۱۳۱۴: ۲۲-۲۳). در اوایل سال ۱۳۱۴ سرمایه شرکت سهامی ابریشم از ۳ میلیون ریال به ۶ میلیون ریال افزایش یافت. همچنین شرکت دیگری برای بهبود و توسعه صنعت پيله ابریشم تشکیل شد و یک نفر کارشناس فرانسوی به نام آناتول فران Anatole Ferran به عنوان مدیر فنی استخدام شد (Burreel, 1997, vol. 10:183).

۳. ایجاد صنایع ابریشم‌بافی و شرکت‌های سهامی

یکی از راهکارهایی که اداره کل نوغان برای مقابله با بحران اقتصادی در خصوص ابریشم ارائه کرد، ایجاد صنایع ابریشم‌بافی بود. درواقع، ساخت کارخانه حریربافی چالوس در سال ۱۳۱۵ در راستای برنامه‌های توسعه شرکت‌های انحصاری دولت و به منظور بازننگری و

بهبود و پیشرفت نوغان‌داری و پرورش کرم ابریشم در سطح کشور بود (باقری زنوز، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۲). مرتضی‌قلی خان بیات، معاون وزرات فلاح، تجارت و فواید عامه که برای مطالعه امور اقتصادی به شوروی، عراق، ترکیه و چند کشورهای اروپایی فرستاده شده بود، در گزارشی مفصل به وزارت دربار راه علاج بحران عمومی اقتصاد و جلوگیری از تأثیر منفی تشکیلات دولت شوروی را در دو چیز می‌دانست: یکی توسعه صنایع و کارخانجات در ایران و دیگری بازاریابی محصولات در خارج از طریق ایجاد مؤسسات ویژه یعنی شرکت‌های سهامی دارای امتیاز انحصاری (ساکما، سند شماره ۹۹۹/۲۷۶۳۶ پرونده شماره ۳۶۲۵۶۸۲). بیات با اشاره به تجربه کشورهای ژاپن، ترکیه و یونان که برای مقابله با کاهش بهای ابریشم خام صادراتی، ساخت کارخانه‌های ابریشم بافی را در پیش گرفته بودند، بهترین راهکار برای مقابله با این بحران تأسیس کارخانجات ابریشم‌بافی به‌منظور بی‌نیازی از واردات آن و صادرات به بین‌النهرین و هندوستان می‌دانست (همان: ۳).

تا نیمه سده نوزدهم در شهرهای یزد، کاشان، گیلان، شوشتر و تبریز ابریشم‌بافی رواج داشت. کارگاه‌های بسیاری در تولید پارچه‌های ابریشمی فعال بودند و مقداری از پارچه تولیدی نیز صادر می‌شد. برای نمونه، بخش مهم زندگانی اهالی شوشتر و دزفول روی بافندگی به‌ویژه بافت پارچه‌های ابریشمی بود که از رشت وارد می‌شد. در گذشته این پارچه‌ها را به عراق عرب، نجد، کویت و بحرین و بنادر عربستان تا حدود مکه و مدینه صادر می‌کردند. در آستانه انقلاب مشروطه حدود ۷۰۰ دستگاه کج بافی در شوشتر وجود داشت (اطاق تجارت، ش. ۹۳، شهریور ۱۳۱۳: ۱۰). همچنین پیش از حکومت پهلوی در رشت یک کارخانه ابریشم‌ریسی توسط امین‌الضرب احداث شده بود که به‌خاطر ناتوانی در رقابت با محصولات ارزان خارجی از کارافتاده بود و دیگر کارگاه‌های محدود سنتی پاسخ‌گوی حجم زیادی ابریشم تولیدی ایران نبود (اطاق تجارت، ش. ۱۷، اسفند ۱۳۰۹: ۳۷).

بنابراین، راه‌حل اداره کل فلاح و وزارت اقتصاد ملی برای کارخانه مدرن ابریشم‌بافی چالوس در سال ۱۳۱۵ بود. کارخانه حریربافی چالوس که دارای ۷۴۰۰ دوک تابندگی و ۴۸۰ گنجه ابریشم‌کشی و ۲۲۰ دستگاه بافندگی بود، توانایی تولید ۱ میلیون متر پارچه ابریشمی، ۳۷ هزار کیلو نخ ابریشم، ۳ هزار کیلو نخ خیاطی و ۳۰ هزار جفت جوراب را داشت. اما این



کارخانه به خاطر کمبود ابریشم و پایین بودن کیفیت آن، معمولاً کمتر از ظرفیت خود کار می‌کرد (اطلاق تجارت، ش. ۲۲۰-۲۱۹: ۴۵). تولیدات آن عبارت بود از پارچه‌های کرب دوشین، کرب ژرژرت، کرب مارکن، کرب ساتین، کرب موس، ریبولدینک، رادیوم، وال، لنزی، کرب مارکه، کرب فاستیه، کلوکه، شارمز، انواع شارمز ساتن، ژاکارت، پارچه‌های پیراهنی مردانه و زنانه، پارچه‌های مبلی گوناگون و انواع پارچه‌های ابریشمی با نقش و رنگ‌های مختلف. بزرگ‌ترین مزیت فراورده‌های این کارخانه برای مصرف‌کنندگان این بود که محصول آن از ابریشم طبیعی و تازه سال ایران بافته می‌شد. تولیدات این کارخانه گذشته از تأمین نیاز ایران مقداری نیز به کشورهای خارجی از جمله آلمان، انگلستان، دانمارک، هلند، بلژیک، عراق، فلسطین، مصر و افغانستان نیز صادر می‌شد (اطلاق تجارت، ش. ۲۲۸: ۵ و ۶؛ نامه اطلاق بازرگانی، ش. ۲۰۸، تیر ۱۳۱۸: ۵۹). یکی از دستاوردهای این کارخانه نزدیک کردن صنعت و آموزش حرفه‌ای در کشور بود. چنان‌که در سال ۱۳۱۶ در سال نخست کاری خود نزدیک ۱۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان هنرستان نساجی شاهی اعم از دختر و پسر را استخدام کرد (مجله اطلاق تجارت، ش. ۱۶۳: ۵).

پارچه‌های تولیدشده در کارخانه‌های داخلی نیاز به بازاریابی داشت. بنابراین برای فروش محصولات کارخانه حریربافی ایران در مرداد ۱۳۱۷ شرکتی به نام شرکت سهامی حریربافی در تهران برپا شد و تا سال ۱۳۱۸ شعباتی در شهرستان‌های چالوس، رشت، تبریز، قزوین، همدان، کرمانشاه، شیراز، اصفهان و مشهد تأسیس کرد و برای مشتریان کلی و یا جزئی در تهران و شهرستان‌های ایران با سود اندک و با زمان پرداخت طولانی پارچه تهیه می‌کرد. این شرکت تا سال ۱۳۱۸، ۲۰۰ مرکز فروش در تهران داشت که پارچه‌های کارخانه حریربافی چالوس را به فروش می‌رساندند (نامه اطلاق بازرگانی، ش. ۲۰۸-۲۰۷ تیر ۱۳۱۸: ۵۷ و ۵۹).

۴. توسعه شعبات اداره نوغان و گسترش فعالیت‌های ترویجی

در سال‌های دهه ۱۳۰۰ با تمرکز یابی دولت و نظم اداری بیشتر، اقدامات جدی‌تری برای نظارت بر واردات تخم نوغان و تولید و صادرات ابریشم صورت گرفت. در سال ۱۳۰۲ ش. مطالعاتی برای بهبود نتایج کشت درخت توت و صنعت ابریشم صورت گرفت. برای ترویج

آن در طی چند ماه ۱۵۰۰۰۰ اصله درخت در ایالت تهران کاشته شد و زمینه برای کشت ۱ تا ۲ میلیون اصله در این سال فراهم آمد (میلسپو، ۱۳۰۲: ۳۲).

در سال ۱۳۰۷ نظام‌نامه ورود تخم نوغان اصلاح، و برای اطلاع اشخاص مقتضی توزیع شد. در تهران، رشت و بابل اداره‌ای تأسیس و اعضای متخصص و تحصیل کرده به کار گرفته شدند. در خراسان بازرسی‌های لازم معمول گردید و در سایر ولایات از جمله فارس، کرمان، یزد، کاشان، اراک، و استرآباد، مأمورینی برای ترویج این فن تعیین شدند. چون اداره نوغان ترویج تولید ابریشم را در املاک خالصه را بر سایر اراضی مقدم می‌دانست، با وزارت مالیه اقداماتی برای ایجاد توتستان در اراضی خالصه گردان و کرج انجام داد (اطلاق تجارت، ش. ۴، سال ۱۳۰۸: ۱۸).

با توجه به نوسان قیمت برنج و وابستگی آن به بازار شوروی، اداره نوغان می‌کوشید تا بین کشت برنج و تولید ابریشم در مناطق شمالی ایران موازنه برقرار نماید. اداره نوغان تولید ابریشم را ترجیح می‌داد و به دولت پیشنهاد داد تا به تدریج این محصول بتواند جای برنج را بگیرد. بنابراین، دستور جامعی برای فعالیت تولید ابریشم تهیه و در مناطق مختلف کشور پخش نمود. پس از آن نیز در شهرهای رشت، بابل و یزد شعبه‌های دائمی اداره نوغان تشکیل شد. برای افزایش تولید ابریشم در مازندران تا سال ۱۳۱۲ توتستان‌ها و تلنبارهای نمونه در مناطق رستم رود، قادی کلا، فریدون کنار، سیا کلا، بهنمیر، بابل تکمیل گردید. همچنین زمین بزرگی در بابل خریداری و با تکمیل وسایل لازم ۱۵ نفر از فارغ‌التحصیلان مدرسه نسوان بابل برای امور تخم‌گیری و معاینه تخم نوغان آموزش داد (اطلاق تجارت، ش. ۷۹، بهمن ۱۳۱۲: ۱۹ و ۲۱). شعبه رشت نیز در سال ۱۳۰۸ در دهات برای تولید نوغان کلاس‌های رایگان برپا کرده و به روستائیان آموزش می‌داد. اداره نوغان همچنین در مشهد بازرسی‌هایی به عمل آورد و با وارد کردن ۱۰ هزار جعبه تخم نوغان فرغانه از شوروی، زراعت ابریشم در مشهد را گسترش داد (اطلاق تجارت، ش. ۴، سال ۱۳۰۸: ۱۸). به‌طور کلی با توجه به برخی گزارش‌ها در بعضی از مناطق شمالی مانند بابل، ساری و علی‌آباد، به‌خاطر وجود مؤسسات نوغانی و فعالیت تجار، تولید ابریشم تا سال ۱۳۱۰ بهبود یافته بود (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۳ و ۱۶۷ و ۱۵۹).



اختلافات بازرگانی با روسیه (شوروی) برای خرید برنج و سایر محصولات کشاورزی ایران و بروز آثار بحران اقتصاد جهانی باعث شده بود تا دولت با دقت نظر بیشتری ظرفیت‌های لازم برای توسعه تولید ابریشم در مناطق مختلف کشور موردبررسی قرار دهد. در نتیجه بخشنامه‌ای از وزارت دربار به همه ولایات کشور صادر شد که طی آن از حکام ولایات خواسته شد بود تا استعداد منطقه خود را در مورد توت‌کاری و به عمل آوردن ابریشم و راه‌های تشویق به کاشتن آن را موردبررسی قرار دهند. طبق این بخش‌نامه حکام مأمور بودند تا مردم را به کاشتن درخت توت و به عمل آوردن محصول ابریشم تشویق نمایند (مرکز اسناد ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۳: ۲). دقیقاً معلوم نیست که برنامه دولت برای توسعه ابریشم بر چه اساسی استوار بوده‌است، اما به نظر می‌رسد که ایران الگوی توسعه اقتصادی ژاپن را موردنظر قرار داده بود و احتمالاً می‌خواست توسعه نوغان‌داری را همان‌گونه که در ژاپن با حمایت دولت نقش مؤثری در توسعه اقتصادی این کشور ایفا کرده بود، مورداجرا قرار دهد. رضاشاه شخصاً به توسعه پرورش ابریشم در مازندران زادگاه خود اهمیت زیادی می‌داد و معتقد بود که پرورش ابریشم از فکری است که دقیقه‌ای نباید اینجا متروک بماند (بهرامی، ۱۳۵۵: ۹۵).

برپایی شعبه دائمی نوغان در بابل به سال ۱۳۰۸ و احداث توتستان و تلنبار نمونه در آمل نتیجه مثبتی داشت و موجب شد تا یک صد هزار درخت توت کاشته شود. همچنین توزیع مقدار زیادی تخم نوغان در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ سبب افزایش تولید پيله شد (طایقی تجارت، ش. ۱۱، شهریور ۱۳۰۹: ۲۵؛ ش. ۴، بهمن ۱۳۰۸: ۱۸). در نتیجه اقدامات اداره نوغان ابریشم مازندران که تا سال ۱۳۰۷ به دلیل نبود رقابت بازرگانی و نبود یک مقام صلاحیت‌دار چندان خوب نبود، ترقی کرد. در نتیجه بهای پيله مازندران از ۶/۵ تا ۷ قران در بابل و ساری به ۱۰ تا ۱۰/۵ قران در سال ۱۳۰۹ بالا رفت (طایقی تجارت، ش. ۱۲، مهر ۱۳۰۹: ۲۷).

در سال ۱۳۱۲ شعبه رشت اداره نوغان ۱۲۵۰۰۰ نهال توت را خریداری و به شهرهای تهران، گردان، عراق و شاهرود فرستاد. همچنین مقدار زیادی تخم توت از رشت خریداری و به گردان، شیراز، عراق، آذربایجان، کرمان، زنجان و ساوه فرستاده شد. در سال ۱۳۱۰

مقداری از زمین‌های کرج از کشاورزان خریداری و اقدام به کاشت خزانه نهال توت کرد (طاق تجارت، ش ۷۸، دی ۱۳۱۲: ۱۸). در شاندیز خراسان نیز مرکزی برای پرورش و معاینه تخم نوغان توسط متخصصان این اداره برپا شد. در شعبه یزد نیز در سال ۱۳۱۲ بیش از ۴۰۰ هزار نهال توت در نقاط مختلف کاشته شد (تجارت، ش ۷۹، بهمن ۱۳۱۲: ۱۹-۲۰).

گذشته از اداره نوغان، در سایر مجموعه‌های دولت نیز اقداماتی برای توسعه نوغان‌داری انجام شد. از جمله در سال ۱۳۱۰ دولت دستور داد تا برای تشویق کشاورزان به توت‌کاری، اربابان و مالکان از نظر مالی رعایا را حمایت نمایند تا از زراعت سایر محصولات کاسته، و توت‌کاری را توسعه دهند (مرکز اسناد ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۳: ۵۲). دولت همچنین در این زمینه از حکام محلی درخواست کرد تا با در اختیار گذاشتن اطلاعات و تجاربشان از منطقه تحت حکمرانی خود، دولت را در زمینه توسعه توت‌کاری و ابریشم‌یاری نمایند. در راستای این هدف دولت، در برخی مناطق اقدامات ترویجی و مساعده‌های مالی صورت گرفت. از جمله در سال ۱۳۱۶ برای تولید ابریشم در تربت حیدریه، قوچان، سبزوار و نیشابور مساعده‌هایی به زارعان داده شد و تشویق‌هایی برای کاشت درخت توت به‌عمل آمد. زیرا ابریشم گیلان به‌واسطه رطوبت منطقه دوام زیادی نداشت و ناچار بودند در نقاط خشک به ازدیاد کرم ابریشم دست بزنند، به همین خاطر توسعه آن در خراسان موردتوجه قرار گرفت (فرخ، ۱۳۴۷: ۴۲۹-۴۳۰). در سال ۱۳۱۹ اداره کل کشاورزی اصفهان نیز اقداماتی برای پرورش تخم نوغان در اصفهان انجام داد و مقدار زیادی نهال توت از رشت آورده میان پرورش‌دهندگان نوغان پخش کرد (بانک ملی ایران، ش ۴۶، فروردین ۱۳۱۹: ۵۳). هرچند در اواخر دهه ۱۳۱۰ بار دیگر پرورش پيله ابریشم در مازندران شروع، و باغ‌های جدید توت ایجاد گردید و حتی در پاره‌ای از مناطق مانند بهشهر تولید ابریشم بیش از حد موردتوجه قرار گرفت، اما تمایل به این کار بیشتر برای مصرف شخصی بود که از آن برای بافندگی احتیاجات شخصی استفاده می‌کردند نه برای استفاده تجاری (بهرامی، ۱۳۳۳: ۲۴۶ و ۲۴۸).

در ارزیابی اقدامات دولت و اداره نوغان به‌ویژه از مقایسه افزایش مصرف نوغان‌های وارداتی در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ می‌توان به نتیجه‌بخش بودن اقدامات اداره نوغان و افزایش نسبی تولید ابریشم در مازندران برای کوتاه‌مدت پی برد، اما این موفقیت‌ها مقطعی و

محلی بوده است. برای نمونه، در سال ۱۳۰۹ که اقدام اداره نوغان در مازندران موفقیت آمیز به نظر می‌رسد، محصول پيله گیلان نسبت به سال گذشته به مراتب کمتر شده است. گذشته از این، اقدامات دولت در برابر عامل تعیین کننده بیرونی بسیار شکننده و ناکافی بود. زیرا در نتیجه ادامه بحران اقتصاد جهانی، تولید ابریشم مازندران در سال ۱۳۱۰ کاهش یافت و بار دیگر قیمت یک من پيله ابریشم از ۱۲ قران به ۸ تا ۷ قران پایین آمد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴). با وجود پیگیری و سیاست تشویقی دولت و تأسیس توتستان‌های نمونه، تولید پيله ابریشم در مازندران در سال ۱۳۱۱ با سال گذشته افزایش خاصی پیدا نکرد. زیرا کاهش شدید تقاضای خارجی و نبود صنایع مصرفی داخلی هر نوع کوششی برای تولید بیشتر را خنثی می‌کرد. در همین سال حدود ۱۵ هزار من پيله بدون فروش در انبارها باقی ماند که سرانجام با قیمت بسیار پایینی به تجار خراسانی فروخته شد. در نتیجه بسیاری از توتستان‌های مازندران متروک شدند و جای خود را به زمین زراعی پنبه دادند (طالع تجارت، ش. ۱۰۹-۱۰۸، فروردین ۱۳۱۴: ۲۲).

این نوع گرایش‌ها و افزایش مقطعی تولید در برخی از نواحی نشان می‌دهد که اولاً اقدامات دولت در برابر عوامل مؤثر بیرونی بسیار شکننده بود و ثانیاً تمایل به سودآوری و نیروی‌های بازار تا اندازه زیادی می‌توانست در جهت‌دهی نوع تولید مؤثر بوده و حتی در تعارض با برنامه‌های تشویقی یا دستوری دولت، مسیر خود را به پیش برد.

نتیجه

در این پژوهش، تأثیر متقابل نظام اقتصاد جهانی با اقتصاد دستوری دولت مدرن ایران در فاصله میان دو جنگ جهانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تولید و تجارت ابریشم ایران به‌ویژه در استان گیلان تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار داشت. علاوه بر نوسان بازار بین‌المللی و کشش تقاضای خارجی برای این محصول، تحولات داخلی از جمله روی آوردن به محصولات جایگزین مانند برنج و توتون به فراخور کشش بازار داخلی و تقاضای روسیه شوروی، نقش مؤثری در جریان تولید و صادرات این محصول داشت. اتحاد جماهیر شوروی از طریق محدودیت‌های ترانزیتی و بازرگانی، تمایل برای خرید نسبتاً زیاد، و یا ممنوعیت برخی از کالاهای مورد نیاز خود مانند برنج و پنبه

به‌صورت متناوب، ارزان‌فروشی تخم نوغان در رقابت با شرکت نوغان ایران، نقش چشمگیری بر نوسان تولید و گرایش زارعان به روی آوردن به محصولات جایگزین داشت.

پیش از مداخله دولت مدرن در امر اقتصاد، این تنها عامل تقاضای خارجی و تجاری‌شدن کشاورزی بود که در هدایت نیروهای تولید کشاورزی مؤثر بود. بنابراین، افزایش تولید و صادرات بیشتر توسط نیروهای بازار تنظیم می‌شد. همین عوامل در تنوع تولید محصولات نقدی کشاورزی برای مصرف در داخل و یا برای صادرات، مؤثر بود. برای نمونه، ابریشم که در نیمه سده نوزدهم تقریباً ۹۰ درصد کل صادرات گیلان را تشکیل می‌داد، در نتیجه تنوع محصولات کشاورزی مانند برنج و توتون از یک سو، و نوسانات تقاضای خارجی در آغاز سده بیستم جایگاه مطلق خود را در سطح ایالتی و هم در سطح ملی از دست داد. اما در این دوره با توجه به پیامدهای جنگ جهانی اول و ماهیت دولت جدید، دخالت گسترده‌تری در امر اقتصاد را ایجاب می‌کرد. دخالت‌های دولت در جهت‌دهی به تولید و صادرات ابریشم، مانند سایر کشورهای تولیدکننده این محصول از جمله ایتالیا، ژاپن، ترکیه و یونان در رویارویی با تنگنایهای بازرگانی به‌ویژه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ صورت گرفت. اگرچه این مداخلات بی‌تأثیر نبود و ساخت کارخانه حریربافی و ممنوعیت واردات پارچه‌های ابریشمی تا اندازه‌ای به رشد تولید داخلی این محصول کمک کرد. اما سرانجام این نیروهای تولید و عوامل کشش بازار بودند که نقش مهمی‌تری در جریان تولید داشتند؛ زیرا دست‌کم در سال‌های اول راه‌اندازی کارخانه حریربافی چالوس، ظرفیت تولید این کارخانه بیش از مواد موردنیاز در بازار بود و در سال‌های جنگ جهانی دوم تولید و صادرات ابریشم دوباره به‌شدت پایین آمد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- باقری زنوز، ابرهیم (۱۳۸۲). *تاریخ تحولات علوم کشاورزی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- بهرامی، تقی (۱۳۳۰). *تاریخ کشاورزی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۳۳). *جغرافیای کشاورزی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- بهرامی، فرج‌الله (۱۳۵۵). *رضا شاه کبیر: سفرنامه مازندران*، ۱۳۰۵، تهران.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۳۵ق). *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، برلین: کاویانی.
- زاهدی، علی (۱۳۴۲). *لزوم پروگرام صنعتی شدن ایران و صنایع ایران بعد از جنگ*، بی‌نا.
- شجاعی دیوکلائی، سیدحسن (۱۳۹۸). *توسعه‌نیافتگی و صنعتی‌سازی ایران عصر قاجار و پهلوی*، تهران: تیسرا.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴). *روابط ایران و شوروی در دوره رضا شاه*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- فرخ، سید مهدی (۱۳۴۷). *خاطرات سیاسی فرخ*، به کوشش پرویز لوشانی، تهران: امیرکبیر.
- کیهان، مسعود (۱۳۱۱). *جغرافیای مفصل ایران*، ج. ۳، *جغرافیای اقتصادی*، تهران: ابن‌سینا.
- میلسپو، آرتور (۱۳۵۶). *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام.
- میلسپو، آرتور (۱۳۰۲). *ششمین راپورت رئیس کل مالیه ایران*، تهران: مجلس.
- میلسپو، آرتور (۱۳۰۳). *نهمین راپورت رئیس کل مالیه ایران*، تهران: مجلس.
- متین‌دفتری، احمد (۱۳۰۴). *کلید استقلال اقتصادی ایران*، تهران: مجلس.
- مرکز اسناد ریاست‌جمهوری (۱۳۸۳). *گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰*، تهران: وزارت فرهنگ.

مقاله‌ها

- پناهی، عباس (۱۳۹۹). «نقش ابریشم گیلان در روابط خارجی ایران عصر قاجار»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۱۱، ۲۲، ۱-۲۶.
Doi: 10.22034/JIIPH.2020.11038
- غفاری رودسری، ذلیخا و عبادی، مهدی (۱۴۰۲). چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داری گیلان عهد قاجاری (۱۳۰۰-۱۳۳۵ ق.)، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، ۳۳(۵۸)، ۶۵-۹۵.
Doi: 10.22051/hii.2023.43171.2767
- غلامی، شهرام؛ رحمانیان، داریوش؛ ظریفیان، غلامرضا و فصیحی، سیمین (۱۳۹۰). قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۱، (۱۱)، ۲۵-۵۵.
Doi: 10.22051/hii.2013.655

آمارنامه‌های چاپ‌شده

- اداره کل فلاح و صناعت (۱۳۱۲). احصائیه محصولات فلاحتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۲، طهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۱۳). احصائیه محصولات فلاحتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۳، طهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۱۴). احصائیه محصولات فلاحتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۴، طهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۱۵). احصائیه محصولات فلاحتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۵، طهران: فردوسی.
- اداره کل گمرکات (۱۳۰۹). احصائیه تجارتی ایران، مجموعه تجارت عمومی ایران با ممالک خارجه در سال ۱۳۰۸، طهران: فردوسی.
- وزارت تجارت، اداره عهود و اطلاعات (۱۳۱۶). تجارت خارجی ایران در سال‌های اقتصادی ۱۳۱۴-۱۵ و ۱۳۱۵-۱۶، طهران: شرکت سهامی چاپ.

نشریات اقتصادی

- مجله اطاق تجارت (مدیرمسئول عباس. مسعودی)، (۱۳۰۸). شماره ۳، دی ماه ۱۳۰۸.
- (۱۳۰۸). شماره ۴، بهمن ۱۳۰۸.
- (۱۳۰۹). شماره ۶، فروردین ۱۳۰۹
- (۱۳۰۹). شماره ۱۱، شهریور ۱۳۰۹
- (۱۳۰۹). شماره ۱۲، مهر ۱۳۰۹.
- (۱۳۰۹). شماره ۱۵، دی ۱۳۰۹.
- (۱۳۰۹). شماره ۱۷، اسفند ۱۳۰۹.
- (۱۳۱۲). شماره ۷۸، دی ۱۳۱۲.
- (۱۳۱۲). شماره ۷۹، بهمن ۱۳۱۲.
- (۱۳۱۳). شماره ۸۶، اردیبهشت ۱۳۱۳.
- مجله تجارت مدیرمسئول و صاحب امتیاز دکتر اسلامی (آذسن)، (۱۳۰۸). شماره ۴ سال ۱۳۰۸.
- (۱۳۰۹). شماره ۱۹، اردیبهشت ۱۳۰۹
- (۱۳۰۹). شماره ۲۰، خرداد ۱۳۰۹.
- (۱۳۰۹). شماره ۲۲، مهر ۱۳۰۹.
- (۱۳۱۰). شماره ۲۵، خرداد سال ۱۳۱۰.
- (۱۳۱۰). شماره ۲۶، خرداد ۱۳۱۰.
- (۱۳۱۰). شماره ۲۷، آذر ۱۳۱۰
- (۱۳۰۶). شماره ۴ و ۵، سال ۱۳۰۶.

- مجله بانک ملی ایران (۱۳۱۹). شماره ۴۶، فروردین ۱۳۱۹
- مجله فلاح و تجارت، (وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه) (۱۳۰۵). شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۰۵.
- مجله نامه اطلاق بازرگانی (۱۳۱۸). شماره ۲۰۸، تیر ۱۳۱۸
- مجله نامه کشاورزی (۱۳۱۸). شماره ۱۰، سال ۶ تیر ۱۳۱۸

اسناد

- سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران (ساکما) سند شماره ۲۹۳/۰۴۸۴۷ ردیف در آرشیو، ۲۳۵ غب الف ا.
- سند شماره ۹۹۹/۲۷۶۳۶ پرونده شماره ۳۶۲۵۶۸۲
- ساکما، سند شماره ۲۴۰/۲۳۱۸۶ محل در آرشیو ۶۰۷ چ ا ب آ ۱

ب) منابع انگلیسی

Books

- Fateh, Moustafa (1926). *The Economic Position of Persia*, London.
- Federico, Giovanni (2009). *An Economic History of the Silk Industry, 1830-1930*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Burrell, R. M (ed), (1997). *Iran Political Diaries*, vols. 9, & 11, London: Archive editions.

Article

- Sayf, A. (1983). Silk Production and trade in Iran in nineteenth century, *Iranian Studies*, 16 (1-2) (winter- Spring), pp. 51-71.